

بررسی تطبیقی نقش بی بی مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی در جنگ‌های معاصر

الهه خوشبخت، سروز سوری^۲

چکیده

خاطره‌گویی یک سبک مهم و اصیل در روایت حوادث جنگ برای نسل‌های آینده و ثبت و ضبط و انتقال تجارب تلخ و شیرین نسل‌های پیشین و نسل حاضر برای نسل‌های بعد است که زنان اقوام مختلف ایرانی در این میان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. نهضت خاطره‌نویسی جنگ، در ایران یکی از گسترده‌ترین رویدادهای فرهنگی به شمار می‌آید. از نخستین روزهای مقاومت مردمی داستان و خاطره با وجوه افتراقی و اشتراک به شرح وقایع پرداخته‌اند. حضور استوار زنان در جنگ به ویژه مبارزه‌های دوره معاصر یکی از مهمترین عرصه‌ها برای ظهور محکم آنان است. در ادبیات پایداری بی بی مریم، معصومه آباد، زهرا حسینی در جنگجویی و شجاعت پیوند مستقیمی داشته‌اند. هر سه با نوشتن کتاب خاطرات، خلاقانه درک عمیق خودشان را از اجتماع بیان کرده‌اند، و در توصیف قهرمانی آزادیخواه، با عمق بخشی به اندیشه و پرورش موضوع صحنه‌های قبل از پیروزی در جنگ و مقاومت صبورانه آنها در برابر فشارها و آزارهای رژیم بعث بر خود و خانواده‌هایشان خاطراتشان را به نگارش درآوردند. این پژوهش، مضامین و مفاهیمی چون: مبارزه، سیاست، اجتماع، انسان-دوستی، وطن پرستی، قهرمان پروری، آزادی، استقامت در برابر دشمنان را بطور کامل نشان داده است. و با بیان همانندی و ناهمانندی‌هایی واقعیت‌های زمان هر کدام از نویسندگان را با ارائه شواهد ذکر کرده است.

واژگان کلیدی: بی بی مریم، معصومه آباد، زهرا حسینی، تطبیق، پایداری

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی elah69khoshbakht@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

ادبیات پایداری از جمله موضوعات مهمی است که نویسندگان متعدد از چشم‌اندازهای گوناگون به آن پرداخته و در این زمینه قلم رانده‌اند. ادبیات داستانی و خاطره‌نویسی جنگ بعنوان بخش مهمی از ادبیات جهان و ایران، مورد توجه قرار گرفته؛ اما واقعیت این است که تطبیق و تحلیل جامع‌نگرانه و شناخت و بازکاوی دقیق و عمیق جریان‌های معاصر، به ویژه ادبیات پایداری در این عرصه امری ضروری به نظر می‌رسد. تاریخ اکثر ملل جهان مشحون از مقاومت در برابر نیروهای متجاوز بوده و از آنجا که ادبیات مقاومت، آئینه انعکاس فرهنگ ملتی است که در مقابل دشمن تجاوزگر به ایستادگی برخاسته‌اند؛ و نقش زنان نیز، نقش غیرقابل انکاری است. ایرانیان با اغراض مختلفی چون سیاسی - اجتماعی، آزادی، عدالت، وطن‌خواهی و ... به خلق آثار ماندگاری در ادبیات فارسی دست زدند که از آنها می‌توان به خاطرات بی‌بی مریم بختیاری، معصومه آباد و زهرا حسینی اشاره کرد. وقوع حوادث ناگواری چون جنگ و ناامنی، با وجود آثار مخربی که به دنبال خود دارد، فرصتی برای خلق آثار جدید با رویکردهای نوین است. در تاریخ معاصر ایران نیز، وقوع جنگ‌هایی متعدد، زمینه‌ای شد برای خاطره و خاطره‌نویسی که یکی از گونه‌های ادبی است. آنچه که در این میان اهمیت دارد، نوع پردازش و نگارش این خاطرات بوده است. زنان همراه با ایثار و گذشت نقش موثری در خنثی‌سازی توطئه دشمنان داشته‌اند. کتاب خاطرات سردار مریم نوشته بی‌بی مریم بختیاری، از جمله کتاب‌های ارزشمند در زمینه تاریخ جنگ و ایل بختیاری است که خاطرات او را از زمان کودکی تا هنگام سقوط محمدعلی شاه به دست مشروطه‌خواهان در بر می‌گیرد. و در کتاب «من زنده‌ام» معصومه آباد که خود راوی است، یادبودهای قبل از اسارت را بیان می‌کند مکالمه و نوع برخورد و بازجویی‌ها و حتی بحث‌های صورت گرفته را چنان شرح می‌دهد که توصیفی از قلم نیفتاده است. و همین‌طور «دا» خاطرات زهرا حسینی، که از ایام کودکی وی آغاز شده و تا آزادسازی این شهر ادامه یافته است. خاطرات بانوان از روزهای حماسه و خون است که در میان انبوهی از خاطرات و آثار مردان توانسته است نام‌بردار شود و گوی سبقت را از آنان برآید. جنگ، در زنان این روحیه را به وجود آورده بود که به کارهایشان جهت و حرکت دهند. آنها همه چیز را در رضایت خدا می‌دیدند و از آسایش و آرامش خود مایه می‌گذاشتند. محمدرضا بایرامی می‌گوید: «خاطره همان چیزی است که بعد از مدتی هنوز از ذهن پاک نمی‌شود. چیزی است که بواسطه داشتن برجستگی‌های خاص از یاد نمی‌رود» (کمری، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۴). در نتیجه کتاب خاطرات این نویسندگان، پژوهشگران را بر آن داشته که با تکیه بر توصیف‌هایی با بیان تضادها و وجوه مشترک بین این سه نفر در زمینه جنگ در نوشته‌هایشان، مشوق کارهای تازه‌تری در همین حیطه برای محققان دیگری باشند. در این مقاله، سرگذشت بی‌بی مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی و ترسیم شخصیت، مبارزه و خط‌مشی زندگی اجتماعی آنها تبیین می‌شود.

کتاب‌های نوشته شده جنگ روایتی ناب از تهاجم نیروهای خارجی و فجایع خشونت‌بار و خونین و ویرانگر آنان را به تصویر می‌کشد. خاطرات بی‌بی مریم بختیاری، من زنده‌ام و دا بخشی از حوادث پر فراز و نشیب زمان است که ماجرای متلاطم و پر هیاهو، اما زیبا و خواندنی در روزگار سخت جنگ را روایت می‌کنند. در خیلی از کتب و پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی که به بررسی ادبیات پایداری و خاطرات مربوط به آن پرداخته است، اشاره‌ای به مقایسه و تطبیق این سه نویسنده در مقابل با هم نشده است. و اگرچه جزئیات هیچگاه برای مخاطب قانع کننده نبوده و نیست. ما تلاش کرده‌ایم بیشتر از نظر و دیدگاه علمی و با سند و مدرک و با کمترین حب و بغض به این موضوع توجه شود. در انتخاب موضوع علت و انگیزه‌هایی وجود دارد که کمترین آن این است که تاکنون اثر پژوهشی که بطور مستقل به توصیف و تحلیل شناختن بررسی تطبیقی نقش بی‌بی مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی در جنگ‌های معاصر بپردازد، انجام نشده است. ضرورت و اهداف این مقاله در این است که از دیدگاهی تازه و خلاقانه به مسائل نگاه می‌کند. برآنیم در حوزه نقد ادبی به این مباحث بپردازیم:

- آشنایی با فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی آنها؛
- وجوه دیدگاه‌های مشترک و مختلف آنها با تأکید بر مبارزه‌های معاصر؛
- ارزیابی جایگاه تفکر وطن‌پرستی؛
- تأثیر بی‌بی مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی از وقایع جامعه؛
- جایگاه خاطرات‌شان در عصر معاصر.

۱- مفاهیم‌شناسی

۱-۱- ادبیات داستانی

ادبیات داستانی تاریخی بسیار کهن دارد و به صورت‌های گوناگونی همچون قصه، حکایت، رمان و ... بیان می‌شود. «پیشینه داستان‌نویسی در ایران به پیش از اسلام باز می‌گردد و در هزاره درخشان ادبی موجود تا روزگار ما، داستان‌های منظوم و منثور چون شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، خسرو شیرین، مثنوی معنوی، ویس و رامین و منطق‌الطیر و هزار و یک شب. اما داستان‌نویسی به شیوه و سبک جدید در ایران متأثر از غرب است و عمری کمتر از یکصد سال دارد. یکی از شاخصه‌های ادبیات داستانی، ادبیات جنگ است که عمری به قدمت تاریخ انسان دارد، زیرا هیچ ملت و جامعه‌ای در تکوین و بقای خود به دور از ستیز و جنگ نبوده است ...» (سنگری، ۱۳۹۰: ۱۸۸). در تاریخ ادبیات فارسی اثر و نوشته‌های بسیاری درباره جنگ‌های تاریخی نوشته شده است. «ادبیات داستانی جنگ، ادبیاتی است که جنگ را با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌هایش به مخاطب

پای داشتن مقاومت کردن و استقامت ورزیدن را ذکر کرده‌اند (معین، ۱۳۸۶: ۵۲۹). از ادبیات پایداری نیز تعاریف متفاوتی ارائه شده است؛ ولی برای ارائه تعریفی جامع باید بگوئیم: «ادبیات پایداری، نوعی از ادبیات ملتزم و متعهد است که از سوی مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید» (بصیری، ۱۳۸۷: ۸۹). واگذاری امتیازات به بیگانگان، زدن چوب حراج به منافع ملی، ورشکستگی اوضاع اقتصادی، ظلم و ستم شاهزادگان و اعمال حکومتی، رشد طبقه جدید روشنفکر و شهرنشین، توسعه و دگردیسی سیاسی که در نتیجه بازگشایی مدارس و آشنایی با افکار اروپایی و چاپ جراید متعدد به وجود آمده بود، و استقرار مشروطیت همه و همه، سبب تنویر افکار عمومی و گسترش اعتراضات مردمی در ایران گردید. باتوجه به جامعیت دین اسلام و روشنی آن از زوایای مختلف و نگاه طیفی آن به خلقت و به خصوص انسانیت انسان، بستر بسیار مناسبی بود با هر جنسی باتوجه به قابلیت‌ها و توانایی‌های ذاتی و اکتسابی خود، به آن درجه ارزشمند و شایستگی واقعی خود برسد؛ از همین‌رو، جایگاه عنصر زن در این دین، از آغاز اسلام تا زمان مشروطیت بگونه‌ای مورد توجه قرار گرفت که شخصیت‌های برجسته آنان در تاریخ، آنگونه که شایسته این جنس باشد رشد نمود و در دل کتاب تاریخ ثبت شد.

۲- بررسی تطبیقی و نقد مولفه‌های مبارزه‌های معاصر

در یک بررسی تطبیقی ادبی، اجزای جهانشمول وجود دارند که آن را علمی می‌کنند. بررسی تطبیقی اثرهای ۱۲۱ متفاوت باعث انکشاف نظریه‌های جدید در ادبیات می‌شود.

۲-۱- نقش بی بی مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی در مبارزه

«نقش به آن رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارنده یک منزلت معین انتظار دارند و منزلت، همان پایگاه اجتماعی یک فرد در گروه است» (کوئن، ۱۳۸۴: ۵۸). یکی از نقش‌های مهم جامعه‌شناسی در ادبیات داستانی، نقش‌هایی است که زنان در این داستان‌ها به عهده دارند. زن بعنوان یکی از محورهای مهم اجتماعی، می‌تواند در فرهنگ و آثار یک کشور جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. خاطرات بی بی مریم منبع مهمی برای تاریخ بختیاری از قبیل ایلخانی تا فتح تهران محسوب می‌شود. او خاطرات خود را با ذکر رویدادهای استبداد صغیر و آماده شدن بختیاری‌ها به فرماندهی برادرش علیقلی خان سردار اسعد برای حمله به تهران خاتمه می‌دهد. بی بی مریم در واقعه فتح تهران و براندازی محمدعلی شاه مشوق برادران خویش بوده و نقش مهمی ایفا نمود. او در جنگ جهانی اول نیز طرفدار آلمان و عثمانی و دشمن روس و انگلیس بود. وی در این جنگ کنسول آلمان در اصفهان را از چنگ سربازان روس نجات داد و مدت‌ها در خانه خود پناه داد. امپراطور آلمان نیز با شنیدن این جریان، تمثال جواهر نشان خود را به همراه هدایای دیگر به پاس قدردانی از او برایش فرستاد و بی بی

مریم از آن پس به «سردار مریم» مشهور گردید (بختیاری، ۱۳۸۲: ۹۳). معصومه آباد در طول هشت سال جنگ تحمیلی مانند دیگر زنان در کنار مردان وارد صحنه شد. و در پشت جبهه کارهای تدارک جنگ را انجام می‌داد. «من زنده‌ام» روایت دختری ۱۷ ساله در دوران جنگ است، که با مبارزه‌های فرهنگی و اجتماعی نقشی در پیروزی انقلاب داشته است. او از زنانی است که با مبارزه و فعالیت‌های پنهانی و مخفی علیه رژیم طاغوت، حمایت و پشتیبانی خود را از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد و جنگ و شرایط سخت زندگی در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق و اسیران جنگی را بیان می‌کند. مبارزه‌ای که سرانجام باعث شد او اسیر شود و به توصیف سلول و اردوگاه و شرایط دشوار اسارات بپردازد. «در اتاقی بیست و چهار متری که پشت محوطه بازداشتگاه باز می‌شد بدون هیچگونه زیراندازی کنار یکدیگر نشسته بودیم ... سلول تنگ و تاریک ما، ماتمکده شده بود ...» (آباد، ۱۳۹۳: ۳۱۰-۱۹۱). مردم که حاصل مبارزه‌های خود را به وضوح در پدیده انقلاب یافتند و فهمیدند که با اراده‌شان توانسته‌اند طومار ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران را در هم بپیچند، روحیه آرمان-طلبی‌شان رشد کرد و برخلاف گذشته، با شجاعت به دفاع از حقوق شخصی و ملی خود می‌پرداختند. زهرا حسینی نیز، از جمله این مردم است. زهرا حسینی ۱۷ ساله زمانی که در آغاز مبارزه، سهل‌انگاری برای کمک به مردم را می‌بیند، چقدر به تکاپو می‌افتد. او در جنگ بی‌هیچ واهمه‌ای، خیانت بنی صدر را فریاد می‌زند و همین مسئله برایش مشکل‌ساز می‌شود؛ اما از حرف خود کوتاه نمی‌آید و مبارزه همین است. و مصرانه جمله خود را تکرار می‌کند «بنی صدر خائن است». در مبارزه با چنگ و دندان از خاکش دفاع می‌کند. براساس مطالب گفته شده می‌توان گفت اصلی‌ترین ارزش این سه بانوی غیور مبارزه برای دفاع از وطن و ظلم‌ستیزی است. و این برایشان از هر چیزی با ارزش‌تر است. نمی‌توانند ساکت بمانند آنها وقتی که دشمن متجاوز به ملت‌شان تعرض کرد، از جنگ بی‌زاری نجستند ذلت را نپذیرفتند و جنگیدند و دفاع کردند.

۱۲۲

۲-۲- فعالیت‌های سیاسی اجتماعی

فعالیت زنان در جنگ و صحنه‌های سیاسی- اجتماعی دارای اهمیت شایسته‌ای است. حدود نیمی از آحاد جامعه را تشکیل می‌دهند و مشارکت زن، یعنی همکاری و هماهنگی نیمی از نیروهای جامعه در راستای یک هدف. سردار بی‌بی مریم از تحصیل‌کرده و روشنفکران عصر مشروطیت بود که همواره به حمایت از آزادی-خواهان برخاست. او مبارزی دلیر و جنگاوری بی‌باک و آزادی‌خواه بود و هرگز در برابر ظلم و استبداد بیگانگان و حکومت‌های دیکتاتوری ایران سر تعظیم فرود نیاورد. از مشوقین اصلی برادرش سردار اسعد بختیاری، جهت فتح تهران محسوب می‌شد. وی با فرستادن نامه‌ها و تلگراف‌های مختلف بین سران ایل و سخنرانی‌های بسیار مهیج و گیرا، افراد را برای مبارزه با استبداد صغیر (استبداد محمدعلی شاه) آماده می‌کرد. او قبل از فتح تهران، مخفیانه با عده‌ای سوار برای پشتیبانی از حمله سردار اسعد وارد تهران شد. به مجرد حمله سردار اسعد به

تهران، پشت‌بام خانه که مشرف به میدان بهارستان بود را، سنگربندی نمود و با عده‌ای سوار بختیاری، از پشت سر به قزاق‌ها شبیخون زده و با آنها مشغول جنگ شد (همان، ۱۱۷-۱۱۶). به مخالفت با انگلیسی‌ها پرداخت و با عده‌ای از تفنگچیان و سرداران خود به طرفداری از متحدین برخاست. و به نیروهای انگلیسی، صدماتی وارد ساخت. منزل سردار مریم پناهگاه بسیاری از آزادی‌خواهان عصر مشروطه بود. حتی در هنگام فتح اصفهان توسط روس‌ها (در جنگ جهانی اول)؛ فن کاردف، شارژ دافر سابق آلمان، به خانه بی‌بی مریم پناه برد. و جریان مبارزات سیاسی سردار مریم بختیاری با نیروهای انگلیسی در طی قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای ۱۳۲۹، همچنان ادامه داشت. پناه دادن بزرگان سیاسی همچون علی اکبر دهخدا و حتی دکتر مصدق، از کارهای گسترده ملی و میهنی این بانوی دلاور بود (همان). معصومه آباد نیز همانند دیگر زنان تا قبل از پیروزی انقلاب در همه زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته. و هرچه به سال ۱۳۵۷ نزدیکتر می‌شویم به شدت فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان افزوده می‌شود. «زنان در تمام زمینه‌های تربیتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه حضور فعال داشتند و در طی دفاع مقدس امت اسلامی در برابر استکبار جهانی، بعنوان نیمی از پیکر اجتماعی نقش موثری ایفا نمودند...» (بارونیان، ۱۳۸۷: ۱۱۹). آباد علاقه بسیاری به کتاب و کتاب‌خوانی دارد. زیرا کتاب و کتاب‌خوانی را نقطه آگاهی و بیداری اجتماعی خود می‌داند. «آدم‌های داخل کتاب هم مانند آدم‌های بیرون کتاب رنگ به رنگ و دوست داشتنی بودند و کتاب مثل زنگ ساعت، نقطه بیداری من شد» (آباد، پیشین: ۷۲). توزیع اعلامیه، تبلیغ اندیشه‌های هوشیارانه، بصیرت سیاسی از اولین قدم‌های عدالت‌خواهی او است. فعالیت‌های انقلابی او در مدرسه شکل می‌گیرد و به مقابله با معلمان ساواکی از طریق شعارنویسی در توالی اوچ می‌گیرد و با دوستانش سرویس‌های بهداشتی را محل توزیع اعلامیه و کتاب‌های ممنوعه می‌کنند. «آموزش و پرورش مدام به علل سیاسی، با تهمت بی‌کفایتی، معلم‌ها را جابجا می‌کرد؛ اما ما هم ساکت نمی‌ماندیم...» (همان، ۸۴). همین تحولات اجتماعی، فکری و روحی باعث عزمی استوارتر در صحنه مبارزه و استکبار جهانی می‌شود و آباد نیز در این راهپیمایی‌ها حق خود را ادا می‌کند. از دیگر فعالیت‌های سیاسی او، شرکت در مناظره‌های انقلابی بوده است. آنها با بالا بردن بینش و آگاهی سیاسی خود به دفاع از فکر، اندیشه و آرمان‌های خود پرداختند. دشمن به صورت‌های مختلف و حق به جانب درصدد نابودی انقلاب عزم‌اش را جزم کرده بود. اما مردم با زیرکی به راه و اندیشه خود باور داشتند. «بسیاری از غفلت‌ها و تهدیدها و در نهایت شکست‌ها ناشی از ضعف قدرت تحلیل وقایع آگاهی سیاسی است و تاریخ بر این مدعا گواه است». (صادقی سنگدهی، ۱۳۹۲: ۹۵). در آن سال‌ها بر پیشانی ملت ایران از کوچک و بزرگ مهر داغ سیاست زده شده بود. اما آدمی برای دفاع از اعتقاد و مذهب و فکر خویش باید علاوه بر آگاهی و اطلاعات کامل و خواندن کتاب‌های متعدد از فن بیان عالی برخوردار باشد تا قدرت آن را داشته باشد که از

۱۲۳

اندیشه خود محافظت کند. و همچنین باید دارای آگاهی اجتماعی-سیاسی باشد. و اما سیر حوادث در کتاب «دا» نتیجه تجربه‌ای متفاوت از زندگی است. سیر اتفاق‌های اجتماعی و سیاسی را با تحول نقش زنانه بیان می‌کند. نبرد با دشمن، حفاظت از مکان‌های خاص، اطلاع‌رسانی و انتقال اخبار، اعتراض به وضعیت موجود، دلجویی و همدردی با آسیب دیدگان، ترغیب و روحیه دادن به مبارزان، پرستاری و امدادرسانی، جمع‌آوری و انتقال اجساد، غسل و تدفین شهدا، این موارد ابعادی از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زهرا حسینی است که با پیامدهای مختلف آن روبرو می‌شود. علاوه بر زهرا، شخصیت‌های سیاسی کتاب «دا» بسیار متنوع هستند. و به غیر از چهار یا پنج نفر که عراقی هستند، تمامی اشخاص ملیت ایرانی دارند. «چند ماه بود که از بابا خبر نداشتیم. او به خاطر فعالیت‌های سیاسی‌اش به ندرت به خانه می‌آمد. بطوریکه ما به نبودش عادت کرده بودیم...» (همان، ۱۷). اثر جنگی «دا» اجتماع سیاسی را با حوادث متعدد و دشوار نشان می‌دهد.

۲-۳- جایگاه وطن پرستی

بخشی از اصلی‌ترین ارزش‌ها حس مقدس وطن پرستی است. دفاع از آرمان‌ها از هر جهت پذیرفتنی و با کمی تعقل و بصیرت قابل درک می‌شود. بی‌بی مریم بانوی دلاور با رزم‌آوری، آزادگی را برای وطن‌اش می‌خواهد، در خطرناک‌ترین زمان‌های تاریخی به دفاع از جامعه و میهن‌اش می‌پردازد. با اینکه رویدادها و اتفاقات سیاسی برای او و خانمان‌اش افتاد اما، تا سال‌ها بعد برای آزادی وطن مبارزه کرد. سردار مریم بختیاری با نوشتن خاطرات‌اش یکی از مهمترین خواسته‌هایش که عدالت و وطن‌خواهی است را بیان می‌کند. او وقتی در برابر استبداد ایستادگی می‌کند آرزویی جزء آبادانی ایران ندارد. سردار مریم مبارزات هم‌میهنان آزادی‌خواه خود را در راه دستیابی به مشروطه می‌ستاید و درباره مبارزان مشروطه‌خواه آذربایجانی می‌نویسد: «... آذربایجانی‌های غیور و رشید که همه وقت برای وطن پرستی و کارهای برجسته پیشقدم بودند، علم آزادی را به سرداری ستارخان و باقرخان معروف، بلند نمودند...» (همان، ۵۷). آزادی وطن یگانه آرزوی سردار مریم بود. و همینطور شخصیت معصومه آباد طوری شکل گرفته بود که همیشه به فکر دیگران و آماده خدمت و کمک به وطن بوده است. با شروع جنگ تحمیلی و تجاوز ناجوانمردانه رژیم بعث عراق به ایران اسلامی، شهرها و روستاها زیر آتش بمب‌های دشمن قرار گرفتند بارش آتش هواپیماهای بمب‌افکن عراق بر سر مردم مظلوم و بی‌دفاع که غافلگیر شده بودند امنیت و نظم کشور را در هم ریخته بود. این فضای غم‌انگیز چاره‌ای جزء پذیرش شرایط را نداشت. باید برای حفظ وطن هر مصایبی را تحمل می‌کردند. در زمان جنگ پایداری برای وطن پرستی و وفای به عهد و پیمان است، که یکی از عوامل موثر در قوام جامعه محسوب می‌گردد. خداوند می‌فرماید: «و به پیمانتان وفا کنید. همانا پیمان (در روز جزا) مورد سوال خواهد بود» (اسراء، ۳۴). عشق به وطن و سرزمین مألوف یک گرایش فطری و غریزی و در وجود همه انسان‌ها هست و همین حس میهن‌دوستی و غیرت و

تعصب است که آدمی حاضر است جان عزیز خود را برای دفاع از سرزمین و کشور خود بگذارد. آباد و دوستانش زمانی که خبر آزادی خرمشهر را می‌شنوند اینگونه احساسات خود را بیان می‌کند: «ناگهان در لابه‌لای سبزی‌ها چشمم به تکه کاغذی مچاله شده افتاد. کاغذ کوچک و مچاله شده را باز کردیم. نوشته بود: خرمشهر آزاد شد ... باز پس‌گیری خرمشهر سند خوبی برای رسوایی صدام و جنگ‌افروزان علیه ایران بود ...» (آباد، پیشین: ۴۱۱-۴۱۰). زهرا و دیگر خرمشهری‌ها نسبت به خرمشهر بعنوان بخشی از خاک وطن‌شان که در آن سکونت می‌کنند، حسی مقدس دارند. این حس تقدیس و این ارزش، از مقاومت سی و چهار روزه مردم خرمشهر با دست خالی در برابر دشمن قدرتمند و صلح، به خوبی مشخص است. زهرا بعنوان یک فرد نوعی، تا آخرین لحظه، تمام تلاش خود را بکار می‌بندد تا بتواند از شهرش دفاع کند؛ حتی زمانی که به خط می‌رود مجروح می‌شود، اما حاضر به خروج از خرمشهر نمی‌شود. زهرا خود زمانی که با وانت، شهدا را به قبرستان ماهشهر می‌برد، پشت وانت، بلند می‌شود و ارزش‌هایی که خرمشهری‌ها به خاطر آنها دفاع می‌کنند. این یکی دیگر از جنبه‌های وطن‌خواهی است. که در کتاب‌های برجسته جنگ، به آن پرداخته شده است.

۲-۴- فردگرایی (قهرمان‌پروری)

از دیگر زیبایی‌های مفهوم پایداری قهرمان‌پروری و فردگرایی است. شخصیت بی‌بی مریم بختیاری تا حدی به قهرمانی ایده‌آل و آرمانی نزدیک است. او از زنان قهرمان تأثیرگذار در تاریخ جهان و ایران بوده است. در فرهنگ مردسالار شرقی، از زنان قهرمان سنت‌شکن و نام‌آور است. نخست، حذف نابرابری خود با مردان و دوم، تلاشی همپایی مردان در راه راستی و دوستی برای منزلت وطن از اقدامات اوست. بی‌بی مریم بختیاری، در زندگی خصوصی توفیقی نداشت. اما این ناکامی‌ها مانع از بصیرت قهرمان‌پروری وی نشد. اتفاقاً فراغتی که از مسئولیت زندگی خانوادگی یافته بود به وی کمک می‌کرد تا در عرصه اجتماعی و سیاسی قهرمان شود و فعالیت بیشتری داشته باشد. اصلاً همین استقلال بود که باعث گردید تا فردیت این بانوی خودساخته و بزرگ‌منش در رویدادهای سیاسی و اجتماعی و قهرمان‌پرور خود، حضوری فعال داشته باشد. مبارزه با روس و انگلیس از جلوه‌های قهرمانی او است. البته در آغاز جنگ احساسات مردم ایران موافق با آلمان‌ها بود و امیدوار بودند که با کمک این دولت نیرومند که با دولت‌هایی بزرگ استعماری وارد جنگ شده بتوانند خود را از شر مداخلات دو قدرت متجاوز روسیه و انگلیستان نجات دهند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۹: ۳۴۵). آزادی فردی و آزادی اجتماعی و سیاسی از معیارهای زندگی بی‌بی مریم است این امر موجب شده است که این شخصیت برای یک ملت به مثابه یک قهرمان دلسوز و رهبر راه نجات را نشان دهد و از مردم می‌خواهد تا به پا شوند. در هر صورت بی‌بی مریم بختیاری در خاطرات خود همواره از تلاش و قهرمانی و مبارزه با استعمارگران مفتخر بوده و سایر منابع نیز به نیکی از آن یاد می‌کنند. آباد در طول جنگ مثل دیگر قهرمانان زن و مرد از

جان و مال و آسایش و آرامش خود مایه گذاشت تا بدین وسیله خدمتی به نفع جبهه و رزمندگان و برای رضایت خداوند انجام دهد. در طول دفاع مقدس آباد عنصری قهرمان، مبارز، فداکار و ایثارگر شناخته شد. دفاع مقدس صحنه فردگرایی و قهرمان‌پروری شده بود. «دفاع مقدس، گستره‌ای را برای آفریدن عالی‌ترین صحنه‌های باشکوه از خودگذشتگی و ایثار، فرا روی رزمندگان اسلام قرار داد...» (همان، ۱۵۷). و در زمان اسیر شدن نیز باز هم الگویی برای قهرمان‌پروری می‌شود. زیرا رزمندگان اسیر همیشه در سختی‌ها و تنگناهای نبرد بر دیگران پیشی می‌گرفتند و خود را در کانون خطری انداختند خود را فدای افراد مسن‌تر و بیمار می‌کردند و سهم کتک و شکنجه آنها را به جان می‌خریدند. با خواندن این خاطرات نخستین فکری که از مسیر ذهن عبور می‌کند قهرمان‌پروری و بعد ایثار و فداکاری این شخصیت‌ها است. انسان‌های غیور و قهرمانی که با انگیزه‌های فاسد و ناپاک می‌جنگند و خودشان را آواره و اسیر می‌کنند اما هرگز از تهدید دشمن نمی‌هراسند. در کتاب دا نیز مانند اکثر کتاب‌های پایداری دیگر، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌ها فردیت و قهرمان‌پروری است. زهرا حسینی، در واقعیت جنگ، صحنه‌ها و حادثه‌ها حضور دارد. قهرمانانه با آغاز مبارزه گسترده مردم علیه حکومت ظلم مبارزه می‌کند. و از قهرمانان ملی الگو می‌پذیرد. اقدامات زهرا، اعمال، واکنش‌ها همه از نوع قهرمان‌پروری او است. تاریخی که کتاب به آن پرداخته است آغاز و انتهایش قهرمان‌طلب است. روحیه او دلیر و قهرمانانه است، و کم‌کم خود را با محیط وفق می‌دهد. به کمک غساله‌ها می‌رود و در غسل و کفن و دفن مرده‌ها به آنها کمک می‌کند. می‌جنگد، قهرمانانه نبرد می‌کند و حتی با دستان خود پدر و برادرش علی را دفن می‌کند و این شهامت و قهرمانی زهرا بیش از پیش موجب شناخته شدن او می‌شود.

۱۲۶

۲-۵- آزادی و عدالت

یکی از اصول اصلی ادبیات پایداری آزادی و عدالت است که با عشق و علاقه آزادی را در بروز مسأله‌های اجتماعی به چالش می‌کشند و در بطن این مشخصه فرد قرار دارد. دارای نگرانی و بیم فردی در ارتباط با زمان خودش می‌باشد و مسئولیت امید را در مقابل انسان‌ها می‌پذیرد. روان انسان ناخودگاه به سوی آزادی و عدالت میل دارد و بی‌بی مریم بختیاری این قدرت را دارد که خواسته‌اش را بر زبان آورد او، معصومه آباد و زهرا حسینی فریاد آزادی و عدالت‌خواهی هستند. آزادی که حالتی اساطیری و قدرتمندانه دارد. شاید نوع زندگی و شکست در ازدواج و حتی عشق، سردار مریم را به ورطه آزادی کشیده باشد. نگاه سردار مریم به وقایع آزادی‌خواهی و عدالت‌سطحی و مانند زنان عامی نیست. او می‌داند که زنجیرهایی به دور او و مردم کشیده شده و به علت تاریکی اندیشه عده‌ای مستبد است. بی‌بی مریم سرسختانه حامی آزادی و عدالت بود. و تاوان این رشادت خود را با تاراج خانمان‌اش پرداخت کرد. معصومه آباد نیز احساس آزادی را می‌طلبد، چیزی که از آن بعنوان عدالت‌خواهی یاد می‌شود. او از گفتن احساسات آزادی و عدالت خویش نمی‌هراسد؛ با

اینکه باعث اسیر شدن او شد. در جای جای کتاباش اقدامات آزادی‌خواهانه وجود دارد. از وجود او آزادی طلبیدنش و عدالت با هر کوششی دیده می‌شود. انسان نسبت به وطن و زادگاه خود احساس تعلق خاطر ویژه‌ای دارد. و در شرایط نامساعد، سختی‌ها و مشکلات برای عدالت می‌جنگد. آباد نیز برای اعتقاد به آزادی و عدالت همه مصایب زجرآورترین دوران را تجربه و تحمل کرد. اسارات و محرومیت از حقوق طبیعی و اجتماعی زجرآورترین دوران زندگی است، اما او با امید و توکل بر خدا، تلاش و جنگیدن، و تحمل کردن این محرومیت‌ها از آزادی و عدالت بی‌نصیب نماند. «امید و توکل به الطاف خداوند تکیه‌گاه محکمی برای انسان است که او را در سختی‌های زندگی از سقوط و یأس دور می‌کند و موجب پدید آمدن شکیبایی و اطمینان در او می‌گردد» (پناه، ۱۳۸۹: ۱۵۶). آزادی و عدالت یکی از زیباترین تصویرها و آرمان‌های زهرا حسینی نیز است. بنابراین جان-مایه زهرا راندن دشمن متجاوز و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. خرمشهر در آستانه سقوط است؛ اما او به مانند بسیاری از مردم از شهر خارج نمی‌شود و برای به دست آوردن آزادی و عدالت در برخی از مقاومت‌های خرمشهر شرکت می‌کند. ترکش به ستون فقرات‌اش اصابت می‌کند و به شدت مجروح می‌شود. و در بیمارستانی در شیراز دوران سخت مجروحیت را طی می‌کند، اما رویای آزادی خرمشهر حتی برای لحظه‌ای از او دور نمی‌شود.

۲-۶- استقبال از مرگ به نشانه عزت و نپذیرفتن ذلت

۱۲۷

مرگ بعنوان یک واقعیت پذیرفته شده است و باید مثل یک پدیده عادی با آن برخورد شود. سردار مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی زندگی در زیر سایه استبداد را ننگ می‌دانند. و مرگ را به این زندگی ارجحیت می‌دهند. برای آسایش وطن به استقبال مرگ می‌روند و این نوع مرگ را افتخار می‌دانند. بی‌بی مریم بختیاری "وزش ظلمت" را می‌شنود و آگاهانه به مقابله و ایستادگی در برابر فضای خفقان‌آور جامعه می‌ایستد. برای باقی ماندن وطن مبارزه می‌کند و زوال و مرگ را بر دوش می‌کشد. در دنیایی زندگی می‌کند که نشانی از آنچه می‌خواهد در آن نیست بنابراین در اجتماع وحشت زده در پی له کردن قلب‌های فاسد زیر پا می‌شود. سال‌های زندگی او توأم با مبارزه و تلاش‌های اجتماعی و سیاسی بود. سردار مریم سهمی بزرگ در ماندگاری بخش مهمی از تاریخ سیاسی ایران در منطقه زاگرس و بختیاری و همچنین حضور آزادی‌خواهان در تهران را به انجام رسانده از این منظر بعنوان بانوی با اصالت اما سنت‌شکن که هرگز ذلت را نپذیرفت. و بسیاری از محدودیت‌های غلط زنان در جامعه قومی ایران را برطرف نمود. او و برادران‌اش مرگ را تحقیر کردند، زمانی که پسر سردار مریم، علیمردان خان و برخی از هم‌زمانش به زندان قصر منتقل گردیدند، و رضاخان حکم اعدام علی مردان خان را داد. نویسنده نامدار هم‌بند او، بزرگ علوی که شاهد ماجرا بوده می‌نویسد: «... دیوارها و حیاط‌های این زندان قصر چیزها دیده‌اند ... این علی مردان خان بختیاری را دیده‌اند که روز مرگ جامه زیبا

بر تن کرده و سر و صورت خود را آراسته و مردانه به قتلگاه رفت. هنگامی که از برابر جوخه اعدام می‌گذشت با جبینی باز و لبانی پر خنده با آنها احوال‌پرسی کرد. وقتی یکی از دژخیمان می‌خواست چشم‌های او را ببندد، دستمال را کنار زد و گفت بگذار این صحنه را به چشم ببینم. زیرا تاکنون من شیری را دست و پا بسته در مقابل مشتی شغال ندیده‌ام. (مهراب، ۱۳۷۷: ۷۸). سردار مریم بعد از شهادت پسرش نیز همچنان برای آزادی، دلیری، وطن‌پرستی و نفرت از دیکتاتور و استبداد مبارزه کرد و مرگ او توسط رضاخان اتفاق افتاد مرگی که نشانه افتخار و عزت است. مقاومت و ایستادگی معصومه آباد نیز ستودنی است او تا پای مرگ بر سر عقاید و حق خود ایستاد و موجب عزت و مفتخر شدن کشور خود شد او و سه بانوی دیگر که کنار هم در بند اسارت بودند از آزمون بزرگ پایداری با شجاعت فوق‌العاده‌ای که از خودشان نشان دادند آزاد و سرافراز بیرون آمدند. در حالیکه می‌دانستند چه عواقب سختی در انتظار آنها است مقاومت کردند. «دیگر فایده نداشت. تصمیم ما قطعی بود. اعتصاب غذا را با روزی پانزده مشت آب، روزی سه بار که سهم هر وعده پنج مشت آب بود آغاز کردیم. جنگ به نوع دیگری برای ما آغاز شده بود. اعتصاب غذا نوعی جنگ بود. ما بی‌سلاح و بی‌دفاع بودیم. اراده مصمم ما تنها سلاح ما بود. تصمیم گرفتیم جانمان را برای جنگیدن اسلحه کنیم ... روز دهم (اعتصاب غذا) از راه رسیده بود، قوای جسمانی‌مان آن قدر تحلیل رفته بود که به سختی به دیوار ضربه می‌زدیم و خبر سلامتی خودمان را به همسایه‌ها می‌دادیم. سرمان سنگین شده بود و دیگر نمی‌توانستیم نماز را ایستاده بخوانیم ... از اینکه با اراده خودمان این راه را می‌رفتیم تا به انتهای جاده مرگ برسیم خوشحال بودیم ...» (همان، ۳۲۵-۳۲۳). زنان ایرانی سمبل صلابت هستند. مقاومت آنها همراه با درد و رنج بود که تلاش می‌کردند این اندوه در چهره آنها دیده نشود. تا جائیکه دیدن صبوری و تحمل آنها باعث تقویت روحیه و ایستادگی رزمندگان و ذلت مرگ بوده است. «ویژگی و خصوصیت حاکم بر خاطرات پدیده اسارت اسرای زن، ترس از هتک حرمت و وحشت از مورد تعرض قرار گرفتن، تنها هراس آنها است و گرنه هیچ تهدید دیگری یا مرگ در وجود آنها رعب ایجاد نمی‌کند؛ اما این زنان مقاوم با توکل بر پروردگار و توسل به اهل بیت(ع) خود را از وحشت رها می‌کنند و خداوند نیز آنان را از آسیب جدی مصون می‌دارد (فروغی جهرمی(الف)، ۱۳۸۶: ۱۷۷). آباد و دوستانش تمام ترس و نگرانی‌شان به خاطر عفت و پاکدامنی‌شان است آنها عفت خویش را از جان عزیزتر می‌دانند؛ برای حفظ آبرو و نجات جان خویش حتی حاضر می‌شوند، داوطلبانه به پیشواز مرگ بروند. اما ننگ بی‌آبروی و تجاوز را تحمل نمی‌کنند. آنها مرگ با عزت و آبرو را به تحمل ننگ تجاوز عراقی‌های پلید به حریم پاک‌شان را ترجیح می‌دهند. آباد بعد از آن شبی که اسرای عراقی را در زندان می‌بیند که سربازان چطور آنها را کتک می‌زنند و جلوی خانواده‌هایشان آنها را لخت مادرزاد می‌کنند می‌فهمد که عراقی‌ها حتی به مردم خودشان هم رحم نمی‌کنند و سختی قلب در وجود آنها ریشه دوانیده. دائم برای پاکدامنی خود نگرانند و تصمیم می‌گیرند در صورت کوچکترین تهدیدی از طرف عراقی‌ها خود را بکشند زیرا یاد گرفته‌اند

که مرگ با عزت و شرف و آبرو را به زندگی با خواری و ذلت و بی‌آبروی ترجیح بدهند. یکی دیگر از جنبه‌های مقاومت که در کتاب به خوبی به آن پرداخته شده است، بحث شهادت‌طلبی است. این به معنای پذیرفتن مرگی با افتخار است برای هدفی بزرگ از نوع آزادی‌گویی. پس از انقلاب و با آغاز جنگ تحمیلی، فرهنگ مرگ مفتخر و شهادت‌طلبی بیش از پیش مطرح و برجسته شد. زهرا، پدر و برادرش برای مرگ رجزخوانی نمی‌کنند، در آن موقعیت حساس به فکر کمک به مردم و آزادی وطن هستند، بعد از شهادت برادرش علی، زهرا بی‌تابی می‌کند؛ اما پس از لحظاتی به خود مسلط می‌شود. زیرا هدف‌اش پایداری برای زندگی اجتماعی و نامی جاودان است. همه افراد آزادی‌خواه هم در حوادث اصلی و هم در حوادث فرعی جنگ برای نپذیرفتن بی‌عدالتی و ظلم از هیچ نمی‌ترسند و در راه ایستادگی، با شجاعت مرگ با عزت را افتخاری به سوی غلبه بر دشمن می‌دانند.

۲-۷- پایداری در مقابل دشمنان (داخلی و خارجی)

مقاومت و دلیری در برابر دشمن تجاوزگر ستودنی است. این سردار بانوی دلاور جریان مبارزه را با تلاش جهت تغییر فضای خفقان‌آوری که دشمنان داخلی و خارجی به وجود آورده بودند ادامه می‌داد. مبارزه‌های سردار مریم بختیاری با انگلیس‌ها در طی قرارداد ۱۹۱۹ و همچنین کودتای ۱۲۹۹ بر علیه سلطنت قاجار و آغاز سلطنت پهلوی همچنان ادامه داشته است. مخالفت با رضاشاه نیز، از دلیری‌های او است. سردار مریم خواهان حقوقی برابر در جامعه بود و در این راستا همدوش مردان، تلاشی برابر را در مقابل دشمنان به انجام رساند. او را می‌توان با کوشش خستگی‌ناپذیر و پایداری کم‌مانندش بعنوان یکی از مبارزترین سرداران آزادی‌خواه ایران در شمار آورد. سردار مریم در برابر استبداد ایستادگی کرد. از نزدیک شاهد فقر روزافزون مردم و لخرجی‌های حاکمان بی‌تدبیر بود. آرزو می‌کند که ای کاش مالیاتی که مردم می‌پردازند و سرمایه‌های طبیعی که در کشور وجود دارد توسط شخصی لایق و منتخب مردم صرف آبادانی ایران می‌شد...! با روش موجود به ستیز با دشمنان می‌پردازد. او در سال ۱۲۸۸ از نبرد با استعمارگران برای آزادسازی اصفهان به همراه خواهرش «بی‌بی لیلی» فرماندهی یک ستون سواره نظام بختیاری را برعهده می‌گیرد. در گیرودار جنگ جهانی اول (۱ مرداد ماه ۱۲۹۳ تا آبان ماه ۱۲۹۷ خورشیدی)، نیز که ایران از هر سو مورد تجاوز نیروهای انگلیس و روس قرار داشت، با نیروهایش به نبرد با استعمارگران پرداخت. جنگ و پایداری در مقابل دشمنان، روحیه مقاومت در مقابله با مصیبت‌های جنگ را نشان می‌دهد. معصومه آباد این مصیبت‌ها و سختی‌ها را با تلاش و استقامت و نبرد در صحنه‌ها و صبر و طاقت اسارت، دشمن را ناکام می‌کند. «همچنانکه رزمندگان اسلام در صحنه‌های نبرد با صبر و استقامت، دشمن را در عملیات نظامی ناکام گذاشتند، آزادگان سرافراز نیز در دوران طاقت‌فرسای اسارت، با مقاومت و پایداری، بعثیان خشن و بی‌رحم را در نتیجه گرفتن از اعمال شکنجه‌های گران و وحشیانه مأیوس کردند. بی‌تردید، آزادگان سرافراز به لحاظ نشان دادن صبر و استقامت، در میان رزمندگان اسلام

بی‌نظیرند. به سخن دیگر تجلی وصف استقامت در آزادگان، بیش از تجلی آن در دیگر رزمندگان بوده است. رزمندگان در بند، در برابر انواع شکنجه‌های ضد انسانی و روحی و جسمی دژخیمان بعثی که در حقیقت خالی کردن عقده‌های ناشی از شکست‌های متعدد در میدان نبرد و جبران تحقیر و ناتوانی در برابر رزمندگان دلاور بود، تصویرهای زیبایی از مقاومت و ایستادگی را ترسیم کردند» (تقی‌زاده، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۰۰). آباد و هم‌سلولی‌هایش، دلیرانه در مقابل دشمن مقاومت کردند، و از حق خود دفاع نمودند. و روحیه مقاومت و عزت‌شان هیچگاه به اسارت دشمن در نیامد و الگوی عزت و سربلندی، ایمان و آزادگی شدند. کتاب دا نیز به داستان‌های از واقعیت‌های جنگ که یکی از آنها پایداری در مقابل دشمنان خارجی و داخلی است پرداخته. استقامت و دلیری زهرا، پدرش و برادرش و افراد دیگر جامعه ذکر شده است. زهرا و برادرش علی، متولد دهه چهل‌اند. دهه چهل آغاز مبارزات گسترده مردم علیه حکومت و ظلم است و بچه‌های این دهه، بچه‌های نسل مقابله در برابر دشمنان و مبارزه‌اند. پدر سیده زهرا از کردنشینان ایلام و فردی مبارز و سیاسی بود. او از همان زمان زندگی در عراق بعنوان فعال سیاسی، تحت مراقبت است و چند بار در زندان‌های عراق دستگیر می‌شود. زهرا یکبار که برای ملاقات پدر همراه با مادر و برادرش به زندان می‌رود، پدرش را در حالت بسیار وخیمی می‌بیند: «چند قفس توی اتاق قرار داشت که داخل هر کدام یک نفر زندانی بود. در قفسی که بابا توش به حالت چمباتمه نشسته بود، باز کردند. به سختی بیرون آمد. انگار تمام بدنش خشک شده بود و کمر و زانوهایش خمیده شده بود، و نمی‌توانست راحت راه برود» (همان، ۲۶). در این زمان، زهرا و علی، هفت و پنج سال بیشتر ندارند؛ اما می‌فهمند که پدر حاضر به تحمل همه این شکنجه‌ها هست، ولی حاضر به کوتاه آمدن از عقیده و راهش نیست. زهرا مانند پدرش در برابر عقیده‌اش محکم و استوار و در مقابل دشمنانش مبارزی سرسخت است.

۱۳۰

۲-۸- ستیز با آگاهی مردم از طرف طبقه ظالم

باید خوب اندیشید، و شجاعت عمل به اندیشه‌ها را پیدا کرد این روند در زندگی سردار مریم دیده می‌شود. پایداری و ایستادگی با سرشت او عجین شده است. هر چند به مرور زمان ممکن است، روحیه پایدار، در حق جای بگزیند و ترس، جای آن را بگیرد. اما بی‌بی مریم همچنان در برابر ظلم ایستاد و مبارزه کرد. ستیز با آگاهی مردم از طرف طبقه ظالم، قابل تأمل است. آنها شیوه تربیت و آموزش را بگونه‌ای جهت‌دهی می‌کنند که انسان را از واقعیات دور نگه دارند و این، در مورد آموزش زن‌ها بگونه‌ای است که در عوض دور نگه داشتن از واقعیت و سیاست، اندکی ناز و عشوه و گلدوزی به آنها یاد می‌دهند. شخصیت‌های سردار مریم، معصومه آباد و زهرا حسینی شخصیت‌های پویا و محرک‌اند. سردار مریم دلاور، سکوت در برابر ظلم و ظالم را می‌شکند و خواستار از میان برداشتن ستم و سرکوب مردم بی‌پناه از سوی مستبدان می‌شود. یکی دیگر از مضامین رایج

در دوران جنگ و جنگ هشت سال تحمیلی خشم و لجاجت در برابر بصیرت مردم است. عراقی‌ها معمولاً به بهانه‌های مختلف به این کار می‌پرداختند. سخت‌ترین لحظه‌های اسرا و آباد هنگام عبور آنان از شهرها برای بردن به زندان‌ها بوده است. راوی کتاب «من زنده‌ام» بسیاری از ظلم طبقه ظالمان را تشریح می‌کند. عراقی‌ها آنها را در مقابل زنان نظامی عراقی به صف می‌کنند برای اینکه راوی و دوستان‌اش را تحقیر کنند. بسیاری از نیروهای عراقی مانند سرگرد محمودی آدم دائم الخمر و سگ بازی بوده که هیچ تعادل روحی و روانی نداشته و همیشه در حال تنبیه و آزار دادن اسرا بوده است و یک جو رحم و انسانیت نداشته او حتی زمانی که برای مدتی از اردوگاه می‌رود سفارش اسرا را به فرمانده جدید می‌کند و او نیز دست کمی از سرگرد محمودی نداشته. اما آباد و دوستانش در برابر شلاق‌ها، توهین‌ها، ستیز با آگاهی‌شان تاب می‌آورند، و عمیق‌تر از قبل جلوی طبقه ظالم می‌ایستند. و زهرا که در مقابل ظلم ظالمان به همراه خانواده‌اش پایداری می‌کند. مبارزانی آگاه که در مقابل طبقه ظالم که یکی از اهداف‌شان ناآگاهی مردم بود ایستادند. شهامت و روحیه پایداری زهرا در برابر ناسازگاری ظالمان ستودنی است. زهرا و زنانی مانند او نقش بسزایی در ترویج ارزش و فرهنگ روزهای آتش و خون دارند. و در مقابل ستیز دشمن برای آگاهی مردم نیز رزمندگان دانش و اطلاع داشتند. «زنان گاه در جبهه مبارزه بوده‌اند، گاه در سکوت غمخواری، گاه در نقش پیام‌رسانی و ... لذا در هر موقعیت مناسب، مسئولیت خطیر ادامه رسالت را با ابزار مناسب با آن شرایط عهده‌دار بودند و جلوه‌هایی شگرف از پشتیبانی در میدان جنگ را به نمایش گذارده‌اند» (مافی، ۱۳۷۶: ۲۵). زنان فداکار با حضور موثر و گسترده خویش در ۱۳۱ بخش‌های مختلف و توطئه‌های متفاوت سهم خود را ایفا نمودند. «... برای خودم عجیب بود، ما چطور توانستیم با این چیزها روبرو شویم، من و لیلا که از دیدن زخم و خون، دل‌مان ریش می‌شد و طاقت دیدن یک جراحت ساده را نداشتیم، چطور می‌توانستیم این کارها را انجام بدهیم ...» (همان، ۱۳۱). در کتاب خاطره دا، زهرا حسینی همانند دیگر زنان صبور و مقاوم و دانا، توانسته است با مصیبت‌های بسیار دشمن بجنگد و هوشیار و آگاه روبروی طبقه ظالم مبارزه کند. زمانی که نمی‌توانسته حتی زخم پای پدرش را ببیند. حالا هر اندوهی را تحمل می‌کند و از هیچ ستیزی نمی‌گذرد.

۲-۹- بصیرت قهرمان و الگو شدن او

سردار مریم بختیاری، معصومه آباد و زهرا حسینی و زنان و مردانی دیگر هستند که معتقدند انسان نباید به ظالم و دشمنان اجازه ستم بدهد. حتی اگر قرار باشد به تنهایی در مقابل ظلم بایستد. این زنان در هیچ شرایطی، در برابر ظلم تسلیم نشدند؛ حتی اگر فرد ستمگر و دشمن متجاوز، ابرقدرت باشد؛ چرا که در هر صورت، پیروزی با آن فرد آزادی‌خواه و عدالت‌گر است. انسان موفقی که توانسته مقاومت کند و جلوی ظلم بایستد از نام‌های بزرگ و جاویدان خوش نام و الگوی سرزمین‌اش می‌شود. بی‌بی مریم، آباد و حسینی به فکر

خود و خانواده و تمام وسعت کشورشان هستند. دغدغه آنها عدالت و آزادی است. شاخصه‌ای برای تشخیص حق از باطلند. و در حد قهرمان‌های آرمانی و ایده‌آل حتی دنیا هستند. انسان‌هایی معمولی و در محصور زمان و مکان که فراتر از زمان و مکان می‌اندیشند، مکانی فراتر از دورانی که در آن زندگی کرده‌اند. و زمانی فراتر از هم نسل‌هایشان هستند. بی‌بی مریم هنگامی که سردار اسعد برادرش و همه جوانان برومند بختیاری در راه رفتن به تهران هستند، و با سخنانی دلگرم کننده عزم راسخ آنها را می‌ستاید. سردار مریم در نبرد با استعمارگران و آزادی ایران و ایرانیان الگویی برای قهرمان است. صبر و استقامت آباد و هم‌زمانش توصیف نشدنی است و تک تک روزهایی که در اسارت با شجاعت و سختی پشت سر گذاشته، باعث پذیرفتن او بعنوان یک قهرمان و الگو می‌شود. با ایمان در برابر شکنجه‌ها و فشارهای روحی و روانی رژیم بعثی عراق هراسی به دل راه ندادند تا دشمن را به زانو درآورند. زهرا حسینی هم از افرادی است که از آرمان‌ها و هدف‌هایش دست برنمی‌دارد، خسته و ناامید نمی‌شود، در این راه پدر و برادرش قربانی شدند، اما همواره در حال تلاش برای احیای عدالت فراموش شده است. به قول شهید آوینی «رازهایی در عالم هست که جز به بهای خون، فاش نشود.» این شخصیت‌ها با مقاومت در برابر ظلم راه را به بچه‌های آینده نشان دادند. زهرا و خانواده‌اش به ویژه پدر و برادرش «علی» از چهره‌های مقاوم و قهرمانان الگوی کتاب هستند. مبارزانی اندیشمند، که اهل مطالعه و تفکر هستند.

۳- شباهت و تفاوت پایداری و مبارزه شخصیت‌های هر سه کتاب

پس از بررسی تطبیقی جنبه‌های مقاومت و ایستادگی در سه کتاب خاطرات سردار مریم بختیاری، معصومه آباد و «دا» زهرا حسینی حالا به شباهت و تفاوت نوع پایداری در آنها می‌پردازیم. ویژگی‌های مشترک ایستادگی و آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی در همه آثار وجود دارد. اختلاف‌هایی از لحاظ دوره زمانی، شرایط مبارزه، مصائب و مسائل زندگی در مقام مقایسه و تطبیق در این زمینه کمک می‌کند. پایداری و ایستادگی مشابهی در هر سه کتاب وجود دارد، زنانی که در برابر مصیبت‌ها و غم و اندوه جامعه و زندگی می‌کنند. مقاله حاضر با تحلیلی گسترده به این موضوع پرداخته است. در کتاب خاطرات سردار مریم بختیاری؛ مقاومت و پایداری او در مقابل جامعه مردسالار، مبارزه با استبدادگران، پناهندگی به آزادی‌خواهان، خواهان عدالت در سرزمینی که ظلم و ظالم در آن حکومت می‌کردند. او در راه آزادی، پدر، برادر و پسرش را از دست داد اما همچنان پابند به عقیدتش بود و مبارزه را ادامه داد. همین صبوری در عزا و غم در کتاب زهرا حسینی نیز دیده می‌شود. وقتی که پدر و برادرش شهید شدند او آنها را تدفین کرد. و حتی به مادرش و دیگران در تحمل داغ‌ها یاری می‌کند. و در کتاب «من زنده‌ام» خاطرات معصومه آباد، صبوری و مقاومت او در وزهای اسارت و اتفاقات سخت و بی‌رحمی که برای او و هم‌زمانش پیش می‌آید، اما همچنان با توانایی و طاقت آن همه رنج

را تاب می‌آود. در هر سه کتاب راوی‌ها شخصیت‌های قهرمان و الگو هستند. زنانی فعال و مقاوم در اجتماع، زنانی که در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نقش‌هایی مبارز و برجسته برعهده داشته‌اند. هر کدام بار زندگی خودشان را به دوش می‌کشند و به زیبایی جریان‌های روزمره را توصیف و تصویرسازی کرده‌اند. یکی دیگر از دلایل موفقیت این کتاب‌ها بازتاب پایداری و دلیری زنانه در هر سه کتاب است. مقابله دو طبقه ظالم و مظلوم یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک در هر سه اثر است؛ حمله گروهی متجاوز به کشور را نشان می‌دهند. در کتاب «من زنده‌ام» و «دا» نقش عناصر و الگوهای مذهبی همانندی بیشتری با نوع مبارزه‌شان دارد. و این الگو در فرهنگ شهادت‌طلبی درخشان‌تر است. در کتاب سردار مریم جامعه‌ای مملو از ظلم دیده می‌شود اما سردار مریم و افرادی از خانواده‌اش در میان این همه ظالم سکوت نمی‌کنند و فریاد ایرانیان و عده‌ای از مردم ایران که در بی‌رحمی‌ها و عیاشی ظلم و ستم رضاخانی هستند. معصومه آباد و دوستانش نیز تحقیرهای بعضی‌ها را سرکوب می‌کنند با صبوری و مبارزه‌طلبی تا پای مرگ عزت ایرانی را برمی‌گردانند. نسل زهرا حسینی انقلاب می‌کنند. مظلوم‌نمایی نمی‌کنند با افتخار و شجاعت سربلندی و سرافرازی ایران را باز می‌یابند؛ از همین رو از قهرمان ملی که در کتاب دا آمده، پهلوانی و قدرت، مدنظر بوده، نه مظلومیت؛ زمانی که دوست آقا سید حسین، پدر زهرا، نزد زهرا می‌آید تا از شهادت پدرش برایش تعریف کند، چنین می‌گوید: «اصلاً ناامیدی توی این مرد راه نداشت. عراقی‌ها که هجوم آوردند طرفمون، می‌خواستیم فرار کنیم، آقا سید آرامان می‌کرد. چنان به ما روحیه می‌داد که فکر می‌کردیم، رستم هستیم» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). مردم ایران، ۱۳۳

ارزشمندترین و با شکوه‌ترین پیروزی‌ها را با قبول مصیبت‌ها و دشواری‌ها و دل‌آوری‌های بسیار رقم زدند. تفاوتی که بین کتاب خاطرات بی‌بی مریم با کتاب «من زنده‌ام» و کتاب «دا» دیده می‌شود قهرمان مذهبی در کتاب بی‌بی مریم نیست. در کنار مبارزه‌هایی که خود و خانواده‌اش با حکومت ستم داشته‌اند بیشتر دغدغه‌اش زنان و جایگاه‌شان در اجتماع است. زنی سیاسی که فعالیت‌های تاریخی و اجتماعی خاصی را در تمام زندگی انجام داده است. از حاشیه‌های زندگی بیرون آمده و در مقابل بی‌عدالتی ایستاده است. نوع مقاومت‌ها برای آزادی متفاوت است. سردار مریم به دنبال حق و حقوق شخصی زنان و بعد آزادی و انصاف و دادگری در جامعه است. معصومه آباد و هم‌نسل‌هایش با جنگیدن و مقاومت در برابر نیروهای عراقی در پی پیروزی جامعه در مقابل متجاوزان خارجی هستند با اینکه اسیر می‌شوند و روزهای عذاب‌آوری را پشت سر می‌گذارند اما با سربلندی به فکر آبروی وطن هستند و حتی با شکنجه‌ها و تهدید به مرگ نیز از عقیده خود دست نمی‌کشند. زهرا حسینی در شرایطی زندگی می‌کند که به خاطر باور و اعتقادات‌اش و تفکر مذهبی‌اش معترض دشمن است و همراه با خانواده‌اش از هر فرصتی برای ضربه زدن به دشمن استفاده می‌کنند. دختری که حتی نمی‌توانست یک زخم سطحی را در دیگران ببیند، پدر و برادرش را غسل می‌کند و آنها را دفن

می‌کند. و برای حفاظت از سرزمین‌اش قدرتمندانه می‌ایستد و می‌جنگد. پایداری سردار مریم با شخصیت‌های دیگر تا حدودی متفاوت است او در مقابل رسم‌های ناعادلانه قوم‌اش به ویژه عمو و پسر عموهایش می‌ایستد. مشوق و یاری دهنده‌ای در این مسیر هم ندارد. شأن پایداری در داستان‌ها تفاوت دارند اما هدف آزادی و عدالت است. روش موفقیت در جنگ را به خوبی تفسیر کرده‌اند، بسیار هوشمندانه، مخاطب را به سمت قهرمان‌پروری هدایت می‌کنند. ظلم و بی‌عدالتی را درک کرده‌اند و هر اقدامی که در این راه به پیروزی‌شان کمک می‌کند را با پایداری و شجاعت و با غلبه بر ترس انجام می‌دهند. سردار مریم زنی مبارز و تنها اما بی‌باک است، که با دشمنان داخلی و خارجی؛ رضاخان و نیروهای روس و انگلیس می‌جنگد، آن هم در دوره‌ای از تاریخ ایران که جلوی دلاوری می‌ایستند. ولی در سال‌های پایداری که معصومه آباد و زهرا حسینی می‌جنگند بیشتر مردم محرک و برانگیزاننده هستند. اوضاع و احوال ناخوشایند است اما تلاشی همگانی صورت گرفته است و تا جایی مبارزه کردند که به تحولی اساسی و انقلاب دست یافتند (فروغی جهرمی (ب)، ۱۳۸۹: ۸۴). در خاطرات سردار مریم ادبیات بعد از مشروطه و نتایج آن گفته شده است، در کتاب‌های «من زنده‌ام» و «دا» نتیجه‌ها و صحنه‌های بعد از انقلاب را نیز تصویر می‌کند. و در کتاب «دا» ثمره انقلاب و رشادت‌ها بازتاب گسترده‌تری دارد. هر سه نویسنده زانی، دلیر و شجاع بودند. اما از دیدگاه زمانی بخواهیم ببینیم، سردار مریم از نظر حقوق دل‌آوری ارجح‌تر است زیرا در برهه‌ای از تاریخ جنگیده است که حقوق زن و مرد و جایگاه‌شان بسیار متفاوت است. در این سه کتاب بازتاب متفاوت محیط و اجتماع، سنت و مدرنیته را در مقایسه با همدیگر مشاهده می‌کنیم و از لحاظ نوع مبارزه و پایداری، شخصیت‌ها الگوهای متفاوت هستند، اما هدفی یکسان دارند.

۱۳۴

نتیجه‌گیری

حاصل این پژوهش پایداری زنان در برابر حوادث و موقعیت‌های سیاسی و جنگ است، شرایط متفاوتی که واکنش خاص آنان را به دنبال دارد. و رویاروی‌شان با حکومت‌های مختلف تلاش، عواطف، خشم و نفرت، تقویت باورهای ملی و مذهبی، تعقل، خودباوری، تحمل سختی‌ها و کنش‌های عقیدتی آنها را پدیدار می‌کند. کتاب‌های خاطرات سردار مریم بختیاری، «من زنده‌ام» معصومه آباد و «دا» زهرا حسینی هر سه خاطرات زنانی هستند که با قهرمانی و کارهای غیرعادی و تحسین برانگیز به دفاع و حضور مستقیم در جنگ پرداخته‌اند. وجوه شباهت و تفاوت این کتاب‌ها آشکار است. مشهودترین وجه در این کتاب‌ها این است که همین زنان نقش‌های اصلی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری را برعهده می‌گیرند. با نترسی و شجاعت به مقابله با دشمنان داخلی و خارجی می‌پردازند، انسان‌های متعهدی که برای آزادی و عدالت پدر، برادر، فرزند خود را از دست داده‌اند. اما روحیه خود را از دست نداده‌اند و برای آرمان‌هایشان و سرزمین‌شان مداوم در برابر

دشمن می‌جنگند و با هیچ تهدیدی دست از مبارزه برای آزادی نمی‌کشند. سردار مریم در شرایط سخت زندگی ایلی و محدودیت‌ها برای حق و حقوق خود و زنان دیگر و عدالت و آزادی کشور هر مصیبتی را تحمل می‌کند. دلیرانه در مقابل ظالم ایستادگی می‌کند در برهه‌ای از اجتماع می‌ایستد، که یک زن حتی از حقوق اولیه خود محروم بوده است. «من زنده‌ام» روایت شرایط سخت اردوگاه‌های رژیم بعث عراق و اسیران جنگی است؛ راوی در صحنه‌های مختلف جنگ با دلآوری و شجاعت در برابر دشمن متجاوز پایداری کرده است، دختری هفده ساله که به دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های خود و کشورش پرداخته است. در کتاب معصومه آباد سختی‌ها و مشکلات، بیماری‌ها و نبودن امکانات آسایشی مقاومت و پایداری، کمبود امکانات، غم و اندوه، ترس و وحشت، شکنجه‌های وحشیانه و غیرانسانی و ... بیان شده است. «دا» زهرا حسینی نیز در مورد روزهای خشن جنگ است. براساس بررسی‌های صورت گرفته، دا نوشتاری زنانه از جزئیات و توصیف‌های رویدادهای خرمشهر در روزهای جنگ است. راوی دا و خانواده‌اش افرادی مبارز و آزادی‌خواه هستند که در برهه جنگ تحمیلی سرافرازانه از ملت دفاع می‌کنند. لحظه‌های زیبایی از استقامت و پایداری در کتاب «دا» ثبت شده است. این کتاب‌ها در قالب خاطره نگاشته شده‌اند و بیشتر به توصیف صحنه‌های سیاسی-اجتماعی، خانواده، جنگ، ایستادگی پرداخته‌اند. موقعیت‌های مشابهی همچون جنگ در کتاب‌ها وجود دارد، نوع پایداری‌ها متفاوت است. خاطرات سردار مریم روحیه مخاطب را برای آگاهی و شجاعت و قهرمانی بالا می‌برد. سیر پایداری در کتاب سردار مریم آزادگی و ظلم‌ستیزی است. در کتاب «من زنده‌ام» زمینه‌سازی و پیشروی در ۱۳۵ انقلاب است و کتاب «دا» سرشار از صحنه‌های قهرمانی در اوج است. تمام حوادث و شخصیت‌ها در هر سه کتاب واقعی هستند. ملت ایران همواره بر حماسه‌های جاویدانی که توسط فرزندان دلیر این مرز و بوم آفریده شده، مباهات خواهند ورزید و با افتخار از آن یاد خواهند کرد. و تاریخ هیچ وقت مصائب و فجایعی را که توسط دشمن داخلی و بیگانه برای مردم پیش آمده است فراموش نمی‌کند.

فهرست منابع

- ۱- آباد، معصومه (۱۳۹۳)، من زنده‌ام، تهران: انتشارات بروج.
- ۲- بارونیان، حسن (۱۳۸۷)، شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، چ ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۳- بختیاری، مریم (۱۳۸۲)، خاطرات، ویرایش: غلامعباس نوروزی، تهران: نشر آزان.
- ۴- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۷)، طرح و توضیح چند سوال درباره مبانی ادب پایداری، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

- ۵- پناه، زینب (۱۳۸۹)، زن در آینه شعر دفاع مقدس، چ ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۶- تابلی، حمید و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی مدل‌های مدیریت بحران درمان دا»، نشریه ادبیات پایداری، ش ۵.
- ۷- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ۸- تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۰)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، چ ۱، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- ۹- حسینی، زهرا (۱۳۸۸)، ۵، کوشش: سید اعظم حسینی، چ ۲۶، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۱۰- حنیف، محمد (۱۳۸۶)، جنگ از سه دیدگاه، چ ۱، تهران: انتشارات صریر.
- ۱۱- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۰)، ادبیات دفاع مقدس، چ ۱، تهران: انتشارات صریر.
- ۱۳- صادقی‌سنگدهی، علی (۱۳۹۳)، نقش زنان در تداوم نهضت حسینی، چ ۱، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- ۱۴- فروغی جهرمی (الف)، محمدقاسم (۱۳۸۶)، گامی در راه علمی شدن خاطره‌نویسی دفاع مقدس، چ ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۵- فروغی جهرمی (ب)، محمدقاسم (۱۳۸۹)، بررسی ادبیات دفاع مقدس، چ ۲، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۶- کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۷- کمری، علیرضا (۱۳۸۴)، یادنگاران؛ گفت و شنود با خاطره‌نویسان دفاع مقدس، تهران: انتشارات صریر.
- ۱۸- کوئن، بروس (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، چ ۲۵، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ۱۹- مافی، فرزانه (۱۳۷۶)، آشنایان ناآشنا، تهران: انتشارات دبیرخانه دائمی کنگره بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت.
- ۲۰- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چ ۲، تهران: نشر ثامن.
- ۲۱- مهربان، امیر (۱۳۷۷)، حماسه علی‌مردان خان بختیاری، تهران: انتشارات آوزان.
- ۲۲- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۹)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، چ ۷، تهران: انتشارات امیرکبیر.